



سریال سرعت تجهیزات عمومی و خدماتی متعلق به شهروندان پایان ندارد

شیخون سارقان به اموال عمومی شهرهای خوزستان

سرقت‌های سریالی تجهیزات و وسایل خدمات عمومی و مبلمان شهری در اهواز حتی نیمکت‌های فلزی و پایه‌های فلزی روشنایی پارک‌ها و معابر شهری، دوربین‌های کنترل ترافیک همچنین تابلوها و علائم راهنمایی شهری و بین شهری به معضلی در این کلانشهر و سایر شهرهای استان خوزستان تبدیل شده است.

طرح مازندران پاک روی کاغذ ماند

زخم زباله بر زیبایی جاده‌های مازندران

حاشیه‌های جاده‌های مازندران سال‌هاست که محل تجمع و انباشت زباله شده است و در به وجود آمدن این وضعیت هم گردشگران و مسافران جاده‌های مازندران هم مردم محلی و بومی.

توانمندسازی زنان و کودکان کار با بازارچه‌های بهار

دستبند مینا گوشواره مرجان



ترانه بنی‌عقوب
گزارش نویسنده

مردم دارو می‌دهیم. حساب کنی می‌بینی کسی که کرونا گرفته روزانه ۶۵ هزار تومان به دارو و سرم نیاز دارد و این برای یک خانواده حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد. ما سعی کردیم کمک کنیم. مرضیه خانم همین‌طور که یک سال، کوسن یا دستبند می‌فروشد برای ما می‌گوید: «کار زنان منطقه ما واقعا خوب و هنرمندانه است، اما بازار نداریم و نمی‌دانیم آثار را کجا ارائه بدهیم. زنان منطقه ما بازار فروش دائمی و مطمئن ندارند و گرنه دائم کار می‌کنند. در منطقه ما زنی برای کار کردن اما و اگر نمی‌آورد و به استقبالش می‌رود. برای ما هم فروش آثار ۱۵۰ نفر دشوار است. یکی دو نفر نیستند، ساماندهی‌اش واقعا دشوار است.»

مرضیه خانم و دیگر زنان شرکت‌کننده در این نمایشگاه کوچک محصولات خانگی می‌گویند کرونا به کار و بارشان لطمه اساسی زده است. زنان در مناطق محروم و حاشیه‌ای

می‌گویند: «این‌ها کارهای جمیله است. کلاس نهم را که خواند، گفت می‌خواهم ترک تحصیل کنم. آخر به درس علاقه‌ای ندارم. گفتیم نه ترک تحصیل نکن راهنمایی‌اش کردیم تا در رشته خیاطی در دوره کار دانش درس بخواند. حالا این پته دوزی‌های زیبا را انجام می‌دهد، یعنی هم درس می‌خواند هم دستمزد می‌گیرد و کمک خرج خانواده شده و هزینه تحصیلش را هم خودش درمی‌آورد.»

مؤسسه نهال همچنین به بچه‌های بازمانده از تحصیل که سن‌شان بالاست اما هنوز در مقاطع ابتدایی تحصیل می‌کنند هم کمک می‌کند. زیورآلات این غرفه دست‌ساخته زنان زندان قرچک و رامین است: «آثار زنان زندانی را هم می‌فروشیم می‌دانی که کار کردن بهداشت روانی خوبی هم دارد درست است هدف از کار کردن کسب درآمد است اما حال این زنان هم با کار خوب می‌شود. زنانی که تا پیش از

دستبند مینا، گوشواره مرجان، لباس مریم، گردن‌آویز هانی... روی هر کدام از آثار صنایع دستی برجسب نام‌شان دیده می‌شود. محصولاتی که از حاشیه زاهدان به تهران رسیده است. ۱۵۰ زن هنرمند اهل این شهر همه هنرشان را ارائه کرده‌اند و چشم‌انتظارند تا شب عید بتوانند با عواید حاصل از فروش محصولاتشان تغییری هرچند اندک در وضعیت خانواده‌ها بوجود بیاورند. پشت‌بام یک کافه در کوچه‌های «ما» نام گرفته و ۱۲ شکل غیردولتی از نقاط مختلف کشور را گرد هم آورده است.

غرفه‌ها پر از رنگ و حس زندگی است و آثار دست‌ساز زنان به تو این حس را می‌دهد که جغرافیای ایران را یکجا به نظاره نشسته‌ای. اینجا هم می‌توانی دست‌ساخته‌های زنان بلوچ را ببینی و هم عروسک، کوسن، زیورآلات و حصیر و پته دوزی زنان جنوب را. البته در کنار آثار دست‌ساز زنان ایرانی، محصولات زنان افغان هم به نمایش گذاشته شده است.

مرضیه حسن‌زایی مدیرعامل خانه‌های شیرآباد زاهدان یکی از مناطق حاشیه‌ای این شهر آثار ۱۵۰ زن بلوچ و زدن به فلان را اینجا به نمایش گذاشته تا بدون واسطه بتواند عواید فروش را به دست‌شان برساند و برای اینکه مشکلی پیش نیاید روی هر کدام از دست‌ساخته‌ها هم نام سازنده‌اش را نصب کرده است. هنرمندی که در گوشه‌خانه‌اش به انتظار نشسته تا مرضیه زودتر برگردد: «ما چند منطقه حاشیه‌ای در زاهدان داریم از جمله شیرآباد و همت‌آباد و داعی‌آباد و چند منطقه هم در چابهار. هدف ما توانمندسازی زنان این مناطق است و سعی می‌کنیم چه شب عید و چه ماه مبارک رمضان یا دیگر وقت‌های سال که جشن و عیدی داریم آثارشان را بفروشیم. این پول بدون هیچ واسطه‌ای به خودشان بازمی‌گردد و نمی‌دانی چه کمک‌بزرگی برایشان است.»

مرضیه خانم رومی‌زی، کوسن، دستبند و گردنبند و هزار چیز رنگ و وارنگ دیگر می‌فروشد و با وصله جواب مشتریانم در غرفه کوچکش را می‌دهد. حواسش هست تا فروش هر کالا همان موقع به اسم سازنده‌اش ثبت شود: «آخر نمی‌دانی بنده‌های خدا چقدر گرفتارند و همین خرجی کوچک که کمک بزرگی برای زندگی‌شان است. مخصوصاً که در شرایط کرونا همه چیز برای زنان منطقه ما سخت‌تر شده است. خیلی‌ها در این دوره بیکار و مریض شدند. فکر کن خرج مریضی باشد، بیکار هم باشی، در برچ چهار پنج که همه چیز سخت بود آمار فوتی زیاد شده بود و ما هم پزشک زیادی نداشتیم تا آن که امیکرون شیوع پیدا کرده و به

دلیل گرد آمدن این زنان در نمایشگاه منافع مشترک

است و می‌توانند در کنار هم شبکه مشتری ایجاد کنند. همه زن و کارآفرین هستند و هم باهم رقابتی ندارند و منافع مشترکی تعریف کرده‌اند. در دوره کرونا این همه چیز به سمت آنلاین شدن پیش رفت و در فضای مجازی امکان رقابت برای این زنان فراهم نبود. این زنان نه امکان حضور در این فضا را داشتند و نه برای آن آموزش دیده بودند. نمایشگاه‌های حضوری تنها جایی است که به کمک‌شان می‌آید

این فقط با نخ و سوزن مثلاً دکمه می‌دوختند الان فهمیده‌اند با همین نخ و سوزن در خانه دوستداران کودک هم کارهای زنان ایران و افغانستان را ارائه می‌دهد. حکیمه قنبری اهل افغانستان شش سال است هنرهای دستی این کشور را آموزش می‌دهد؛ پته دوزی و خامه دوزی و گراف دوزی که همان شماره دوزی ما در ایران است. منیر احمدلو هم اهل افغانستان است و دست‌دوزی می‌کند: «من سه سال است با این مؤسسه همکاری می‌کنم که دو سال آن را درگیر کرونا بودم. اوایل خیلی سخت بود، اما الان کمی اوضاع بهتر شده. برای شب عید هم این نمایشگاه و دیگر نمایشگاه‌ها خیلی خوشحال‌مان کرد. ما شش ماه فروش نداشتیم و شب عید ارائه محصولات کمک بزرگی است.»

این غرفه انواع کیف‌های دست‌ساز عرضه می‌شود. یلدا پاکزاد از اعضای این انجمن می‌گوید: «نه تنها در زمینه توانمندسازی زنان فعالیم که بچه‌ها هم تا دوره دبستان در مرکز مادر می‌خوانند. هدف ما این است که خانم خانواده توانمند شود و به بچه‌ها هم کمک کند. همه تولیدات ما کار دست خانم‌هاست؛ از چاپ روی کیف‌های دستی و پارچه‌های تک‌تک‌های محیط زیستی و سوزن‌دوزی، همه توسط خانم‌ها انجام شده. در مؤسسه ما هرکس آموزش می‌بیند به دیگران هم آموزش می‌دهد. برخی در مؤسسه کار می‌کنند و برخی هم از ما چرخ خیاطی می‌گیرند و کار می‌کنند.»

آنها چشم‌انتظار فروش هرچه سریع‌تر آثار هنری‌شان هستند. بهار برای آنها از پنجره‌های متفاوت وارد می‌شود، روزی که از سال ۸۶ فعالند. مرکز توانمندسازی که به زنان خیاطی و هنرهای دستی می‌آموزد. در

یادداشت

زنان شاغل در بخش خانگی و توسعه اقتصادی

مریم طالبی
گزارش نویسنده

یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی، استفاده از نیروی انسانی مولد است که طبعاً باید در تمام بخش‌ها در نظر گرفته شود. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه و نیروی مولد، نقش مهمی در افزایش انباشت سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی دارند و این نقش در شرایطی که کشورها در رقابتی تنگاتنگ برای توسعه اقتصادی قرار دارند، غیرقابل انکار است.

طبیعی است زنان شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی چنین نقشی را به سبب تعریف مشخص که از شغل‌شان وجود دارد، ایفا می‌کنند اما در رابطه با زنانی که شغل خانگی دارند، مولد بودن با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. به عنوان مثال آبا زنانی که مشاغل خانگی دارند، به صورت مداوم به تولید و کسب درآمد مشغولند و یا تنها در دوره‌هایی به این کار اشتغال دارند؟ آیا تولیدات آنها قابلیت سرمایه‌گذاری و گسترش کسب و کار در ابعاد کارگاهی و صنعتی را دارد یا خیر؟ و سؤال اصلی اینکه آیا اساساً می‌توان آنها را نیروی مولد به حساب آورد یا خیر؟ حال در نظر بگیریم که شرایطی مثل پاندمی هم بر فعالیت این زنان اثر گذاشته باشد.

در شرایطی که دنیا به دلیل پاندمی به سمت فعالیت‌های آنلاین رفته است، طبعاً منطقی به نظر می‌رسد که زنان شاغل در بخش خانگی نیز که تا پیش از این از امکان فروش مستقیم تولیدات‌شان در امکانی همچون نمایشگاه‌های دوره‌ای بهره می‌جستند، فعالیت‌های خود را به صورت آنلاین ادامه دهند و به کسب درآمد بپردازند.

اینجاست که بین زنان دارای امکان دسترسی به امکانات فضای مجازی و آنها که چنین امکانی را در دسترس ندارند، تمایزی ایجاد می‌شود که در افزایش درآمد آنها تأثیر بسزایی دارد.

به بیان دیگر، شرایط پاندمی و قطع دسترسی گروهی از زنان به امکان فروش، مستقیم و چهره‌به‌چهره عملاً آنها را از عرصه تولید خارج می‌کند و از چرخه توسعه اقتصادی بیرون می‌راند. حال آنکه تولیدات برخی از این زنان می‌تواند در صورت معرفی صحیح و دارا بودن ابزار کارآمد قابلیت صادرات و آرزوی داشته باشد. نمونه‌اش تولیدات دستی زنان بلوچ که در بخش صنایع دستی می‌تواند دارای ارزش بالایی در صادرات بویژه به کشورهای اروپایی و حوزه خلیج فارس باشد.

با این حال از جمله بیشترین کسانی که از این شرایط ضربه دیده‌اند، همان زنان ساکن در سیستان و بلوچستان بوده‌اند که چند سالی است با حمایت گروه‌های مردم‌نهاد توانسته‌اند هنر خود را در سراسر کشور معرفی کنند و تا حدودی به بازارهای داخلی راه یابند. خصوصاً در زمان‌هایی خاص مثل آستانه نوروز تولیدات این زنان در نمایشگاه‌های بهار بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در شرایطی که دسترسی این زنان به اینترنت و امکانات فضای مجازی در هر حال با مشکل مواجه بوده و هست، کرونا هم طی دوسال گذشته این نمایشگاه‌های دوره‌ای را به تعطیلی کشاند و آنها را با مشکلات معیشتی مواجه کرد. در واقع همان درآمد اندکی که در چند سال گذشته از طریق فروش صنایع دستی نصیب این زنان می‌شد، از دست رفت و جایگزینی برای آن پیدا نشد.

با وجود آنکه امسال این زنان توانستند در معهود نمایشگاه‌هایی که سبک شدن شرایط کرونایی اجازه برگزاری آن را می‌داد شرکت کنند، اما بعد از این مدت دوری و با عدم اطمینان به اتفاقات آینده، آنها در مواجهه با کسب درآمد آتیه شغلی خود نگرانی‌های زیادی دارند که بیشترین آن قطع ارتباط کامل آنها با چرخه مولد بودن است که به جهت در اختیار نداشتن امکانات زیرساختی از یک سو و دوری از بازارهای واقعی فروش از سوی دیگر است.

در این شرایط لزوم ایجاد بازارچه‌هایی دائمی برای عرضه و فروش تولیدات این زنان ضروری به نظر می‌رسد؛ بازارچه‌هایی که با کمک دولت و نهادهای ذیربط همچون شهرداری‌ها در اختیار این زنان که عموماً سرپرست خانوار هستند قرار داده شود تا اطمینان خاطر آنها از جهت فروش محصولات حاصل شود.

در صورت فراهم شدن چنین امکاناتی می‌توان تصویر واضح‌تری از زنان شاغل در بخش خانگی داشت و آنها را جزو نیروهای مولد جامعه به حساب آورد که در توسعه اقتصادی سهیم هستند.